

فرخنده باد اول ماه مه، روز جهانی کارگر و روز همبستگی رزمی کارگران و زحمتکشان جهان!

اعلامیه کمیته مرکزی به مناسبت اول ماه مه در ص ۳

ایران، اسرائیل، سودان، نیجریه، زیر و بوسنی در کمیسیون حقوق بشر محکوم شدند

کارزار حمله به مخالفان سیاسی خود در خارج از کشور فوراً پایان دهد و فتوی قتل سلمان رشدی نویسنده انگلیسی را باطل کند. کمیسیون همچنین دولت سودان، زیر و نیجریه را نیز به دلیل شکنجه، اعدام و سرکوب مخالفان به شدت محکوم کرد. کمیسیون دولت اسرائیل را به خاطر اشغال جنوب لبنان و سرکوب حقوق بشر در این نواحی محکوم کرد. دولت آمریکا تنها کشور، از ۵۳ عضو این کمیسیون بود که با قطعنامه کمیسیون حقوق بشر علیه اسرائیل به شدت مخالفت کرد. کمیسیون حقوق بشر همچنین دولت بوسنی هرزگوین را به خاطر ادامه پاکسازی های قومی محکوم کرد.

بر اساس گزارشی آسوشیتد پرس، کمیسیون حقوق بشر سازمان متحد در آخرین اجلاس خود در آوریل ۱۹۹۷، دولت های ایران، اسرائیل، سودان، زیر، بوسنی هرزگوین و نیجریه را به خاطر ادامه سرکوب حقوق بشر با اکثریت آراء محکوم کرد. کمیسیون حقوق بشر که اخیراً دومین گزارش موریس کاپیتورن، فرستاده ویژه سازمان ملل را دریافت کرده بود، دولت جمهوری اسلامی را به خاطر زیر پا گذاشتن حقوق بشر، از جمله تبدیل زنان به شهروندان درجه دوم، سرکوب، شکنجه و ادامه پیگرد مخالفان در داخل و خارج از ایران محکوم کرد. کمیسیون از دولت ایران خواست که به

نامه مردم

ارکان مرکزی حزب توده ایران

شماره ۵۰۴، دوره هشتم
سال سیزدهم، ۲ اردیبهشت ۱۳۷۶

یکسال با پیکار طبقه کارگر ایران جمع بندی کوتاهی از مبارزات کارگری در سال گذشته

جنبش کارگری ایران، سال پرفراز و نشیب دیگری را پشت سر نهاد. طبقه کارگر مین ماطی این سال با انواع محدودیت ها و تضییق حقوق صنفی و سیاسی خود از سوی رژیم کارگرسنیز «ولایت فقیه» روبرو بود، در عین حال، در سال پیش، کارگران و زحمتکشان باتوسل به اشکال گوناگون و متنوع مقاومت و مبارزه، عزم را سخ خود را برای احقاق حق خود و نیل به اهداف آزادی خواهانه و عدالت خواهانه نشان دادند.

جنبش مبارزاتی طبقه کارگر مین مادر سالی که گذشت، تحت شرایط سخت کار و معیشت و در سایه گسترش فقر که بویژه کارگران و خاندان های آنها را به کام مرگبار خود می کشید، در برابر مسایل مبرم و خطیری قرار گرفت، این مسائل هرچه بیشتر، سبب گردید تا عده بیشتری از کارگران با قاطعیت بیشتر و سازمان یافته وارد عرصه مبارزه شوند.

گسترش روحیه مقاومت و اعتراض و اعتلای حرکت های مبارزه جوانان گوناگون و برپایی اعتصاب های متعدد در مقیاس های بزرگ و کوچک مهم ترین نمودارهای مبارزه و پیکار رو به رشد و آگاهانه طبقه کارگر ایران در یکسال گذشته بودند.

ادامه در ص ۴

اعلامیه کمیته مرکزی حزب توده ایران به مناسبت صدور حکم دادگاه برلین

سران رژیم «ولایت فقیه» مجرمان اصلی ترور دکتر شرفکندی و یارانش

و جنایی به گنه این جنایت تکان دهنده پی می برند. در پی اعلام این خبر کشورهای عضو بازار مشترک اروپا سفرای خود را از ایران فراخواندند و دولت آلمان زیر فشار شدید افکار عمومی حکم اخراج چهارتن از کارمندان سفارت ایران در این کشور را صادر کرد. حکم دادگاه برلین بی شک گام مهمی در افشای سیمای کرب و ضد مردمی رژیم حاکم بر مین ما و در تنگنا قرار دادن آن در عرصه بین المللی است. سران رژیم با هیاهوی تبلیغاتی فراوان تلاش می کنند تا افکار عمومی ایران و جهان را از ابعاد گسترده و افشاگرانه حکم صادر شده در این دادگاه علیه اعمال و جنایاتشان منحرف کنند و بدین ترتیب توفان خشم افکار عمومی جهان را پس از دورانی کوتاه از سر بگذرانند.

حزب توده ایران مانند سایر نیروهای مترقی و مردمی
ادامه در ص ۴

پس از چهار سال بررسی موشکافانه، رسیدگی به صدها سند، گزارش و استماع شهود گوناگون، دادگاه برلین چهارتن از مزدوران رژیم «ولایت فقیه» را به جرم قتل دکتر شرفکندی، دبیرکل حزب دموکرات کردستان ایران و همزمان او همایون اردلان، فتاح عبدلی و نورالله محمد پور دهکردی، در ۱۷ سپتامبر ۱۹۹۲ در رستوران میکونوس در برلین، مجرم تشخیص داد. رییس دادگاه برلین، قاضی کوبش اعلام کرد که دستور این آدم کشی مافیایی از سوی «کمیته عملیات ویژه» که رفسنجانی، خامنه ای و ولایتی، سران درجه اول رژیم عضو آن هستند صادر شده است.

حکم دادگاه برلین در شرایطی صادر می شود که سران رژیم در ماه های اخیر تمامی تلاش خود را برای جلوگیری از صدور چنین حکمی به کار گرفته بودند. از آدم ربایی و تهیه نمایش تلویزیونی برای فرج سرکوهی، سردبیر آدینه، تا فشار بر دولت آلمان و حتی دادن قول «آزادی» گروهی از زندانیان سیاسی کرد، از جمله ترندها و مانورهایی بود که گردانندگان رژیم برای جلوگیری از صدور چنین حکم قاطع و محکوم کننده ای به کار گرفته بودند. در مقابل این فشارها مبارزه و افشاگری نیروهای مترقی و آزادی خواه اپوزیسیون و افکار عمومی جهان، عمل می کرد که از دادگاه برلین داوری عادلانه ای را طلب می کردند و توانستند از اعمال فشارهای سیاسی بر روی دادگاه برلین جلوگیری کنند و اینک مردم ایران و جهان با یک بررسی و داوری قانونی و رسمی، متکی به شواهد و اسناد انکار ناپذیر و تلاش پیگیر دهها کارشناس قضایی

در این شماره

فرازهایی از تاریخ جنبش کارگری در ایران ص ۵
ماجرای مذاکره لاریجانی با دولت انگلیس ص ۲
خاورمیانه نیاز برای عملکرد مستقل اتحادیه های کارگری ص ۸

با هم به سوی تشکیل جبهه واحد ضد دیکتاتوری

برای آزادی، صلح، استقلال، عدالت اجتماعی، و طرد رژیم «ولایت فقیه»!

رویدادهای ایران



بازتاب و عکس العمل حکم دادگاه برلین در ایران

در پی انتشار حکم دادگاه برلین مبنی بر محکومیت مزدوران رژیم «ولایت فقیه» و مجرم شناختن سران رژیم برای صدور حکم این جنایات بی شرمانه، سران رژیم در عکس العمل شدیدی تلاش کردند تا با پنهان شدن زیر شعارهای تند و تیز «ضد امپریالیستی» واقعیت مسأله را قلب کنند و خود را از زیر بار هرگونه مسؤولیتی در این زمینه خارج سازند. هاشمی رفسنجانی در نماز جمعه ۲۲ فروردین ماه دادگاه میکونوس را یک رسوایی تاریخی برای دستگاه قضایی آلمان دانست و سپس افزود: «این ها وقتی پس از دو سال تلاش فریبکارانه می خواهند شکست روند صلح در خاورمیانه را اعلام کنند می دانند با امواج نیرومند انتقادی از رسانه ها آغاز می شود به این ترتیب باید جریان دیگری را به جای آن بنشانند که چند روزی رسانه ها را به خود مشغول کند... واقعاً این یک قضاوت سیاسی و حرکتی بود که شبیه یک آژانس تبلیغاتی عمل کرد. این گونه دادگاه ها در اروپا زیاد است... آلمانی ها می دانند با این حکم رسوا، در ایران و دنیای اسلام چه چیزی را از دست می دهند، صد سال است که عاطفی ترین روابط میان مردم ایران و آلمان برقرار بوده... با یک رای بی پایه ای تاریخ دوستی را تضعیف کند موضوعی است که برای مدتی لاقال مردم ما نمی توانند این ناجوانمردی آلمانی ها را فراموش کنند...»

خانم ای نیز در سخنان مشابهی که روز چهارشنبه در دیدار با جمعی از فرماندهان و پرسنل ارتش ایراد کرد. رای دادگاه میکونوس را «خیمه شب بازی آمریکا با واسطه گری اطلاعاتی و سیاسی صهیونیست ها نامید و بازنده بودن دولت آلمان را به سبب از دست رفتن اعتماد ملت ایران به این کشور مورد تأکید قرار داد...». ناطق نوری، رئیس مجلس، خاتمی نامزد رئیس جمهوری، نیز در سخنان مشابهی حکم دادگاه میکونوس را «توهینی» به «اسلام» و «نظام» توصیف کردند و رای دادگاه را یک رای سیاسی فاقد ارزش ارزیابی کردند. مجلس خبرگان، مجلس شورای اسلامی، وزارت خارجه و دیگر نهادهای دولتی نیز با عکس العمل های مشابهی این اقدام دادگاه برلین را محکوم کردند. نکته جالب در تمامی این عکس العمل های سران رژیم این است که هیچکدام از آنان اشاره ای به قتل فجیع و تکان دهنده دکتر شرفکندی و یارانش و چهار نفری که در این دادگاه به عنوان ماموران جمهوری اسلامی مجرم تشخیص داده شده اند نکردند. عکس العمل گسترده و در عین حال هماهنگ سران رژیم نشانگر نگرانی شدیدی از این رای و عواقب آن خصوصاً منزوی شدن بیش از پیش ایران در عرصه بین

المللی است.

لاریجانی و مذاکرات مخفی با دولت انگلیس

سرو صدای دیدار مخفیانه لاریجانی یکی از سخنگویان اصلی جناح رسالت در لندن با یکی از معاونان وزرای خارجه دولت انگلیس در ایران بازتاب وسیعی یافت. حسینیان، یکی از سخنگویان جمعیت دفاع از ارزش ها، در یک جلسه پرسش و پاسخ در دانشگاه صنعتی شریف در پاسخ به سؤال دانشجویان پیرامون دیدار لاریجانی با نیک پروان گفت: «مذاکره طبق آنچه منتشر شده است بسیار تکان دهنده است. او [دیپلمات انگلیسی] خیال کرده است که اکنون سال ۱۳۲۰ است که سفارت انگلیس برای ما وزیر و وکیل تعیین کند. چنین برخوردی از موضع ضعف واقعاً در خور و شأن یک انسان آزاده نیست. فتوای تاریخی امام در مورد سلمان رشدی یک مسأله سیاسی نیست که بین دیپلمات ها به معامله گذاشته شود و تسخیر لانه جاسوسی بزرگترین ارزشی است که انقلاب به ارمغان آورد... اگر این مسایل موضع شخصی ایشان بوده است ما حرفی نداریم اما اگر این موضع یک شخصیت حقوقی است این را باید یک مصیبت تلقی کرد...». در پی انعکاس این خبیر در روزنامه همشهری، لاریجانی در نامه شدید الحنی به این روزنامه که روز پنجشنبه ۲۸ فروردین در آن انتشار یافت. در پاسخ به همشهری اعلام کرد که مذاکرات او با نماینده دولت بریتانیا مذاکرات رسمی بوده است که به درخواست دولت انگلیس صورت گرفته و مشروح مذاکرات توسط وزارت امور خارجه تهیه و جزو اسناد رسمی است. نامبرده مطالب حسینیان در این باره را مخدوش دانست و از «درگاه خدای سبحان برای خود و ایشان طلب مغفرت» کرد.

«ناطق نوری نون است آن آخر لیست»

ناطق نوری نامزد ریاست جمهوری از سوی جناح رسالت، در یک مصاحبه رادیویی با رادیوی «بی.بی.سی» ضمن اظهار این موضوع که خاتمی عمده ترین رقیب او در انتخابات می باشد، در مورد انتخابات پنجمین دوره مجلس شورای اسلامی سخنانی گفت که بسیار جالب و افشاگرانه است. وی در پاسخ به این سؤال که شما در انتخابات مجلس شورا تنها یک سوم آراء را به دست آوردید و چطور انتظار دارید در انتخابات ریاست جمهوری پیروز شوید از جمله گفت: «انتخابات مجلس با انتخابات ریاست جمهوری تفاوت فاحش دارد. در مجلس در تهران فقط یک حوزه بود آن هم حوزه تهران. ۳۰ تا صلاحیت شان تایید شد. مردم تهران روی لیستی که می خواهند رای بدهند از بین ۴۰۲ نفر می خواهند ۳۰ نفر را انتخاب بکنند خود این با توجه به این که تابلو هایی هم که زده می شود در حوزه انتخابیه اخذ رای، روی القبا است. ۴۰۲ اسم نوشته شده است ۳۰ تا می خواهند انتخاب کنند اولاً همه مردم حوصله این که ۴۰۲ تا اسم بنخوانند تا بعد انتخاب بکنند

ندارند. عده ای را هم نمی نویسند، اگر یک کسی بیاید به حوزه اخذ رای نگاه می کند همان اول روی القبا می گوید پنج تا بنویسیم وظیفه شرعی مان را انجام می دهیم و می رویم. روی القبا هم که بخواید بیاید ناطق نوری نون هست آن آخر لیست...!!!

حزب توده ایران ترور ابراهیم زال زاده را محکوم می کند

بر اساس گزارش رسانه های جمهوری اسلامی ابراهیم زال زاده، مدیر مجله معیار و مسؤول انتشاراتی ابتکار در تهران به طرز مشکوکی به قتل رسیده است. انجمن «دفاع از زندانیان سیاسی و عقیدتی ایران» در پاریس، با انتشار بیانیه ای مزدوران رژیم جمهوری اسلامی را مسؤول این قتل معرفی کرد. بر اساس اطلاعیه این انجمن، آقای زال زاده روز سوم اسفندماه گذشته از خانه خارج و از آن پس مفقودالثر می شود. در پی مراجعه خانواده او به مراجع مختلف، مقامات امنیتی به خانواده او گفته بودند که اگر او را زنده می خواهید «سر و صدایی در این مورد برپا نکنید».

بر اساس همین گزارش ابراهیم زال زاده از چندین پیش به دلیل انتشار مقاله ای که از جانب محافل حاکمیت «انتقاد از رهبری» قلمداد شده بود، تحت پیگرد و فشار قرار گرفته بود. حزب توده ایران هم صدا با دیگر نیروهای مترقی و آزادی خواه کشور، این جنایت هولناک مزدوران رژیم را شدیداً محکوم می کند.

ادامه اعلامیه کمیته مرکزی ...

میهن ما، از همان ابتداء، در این امر تردیدی نداشت که این ترور مانند صدها نظایر آن به دست حکام جمهوری اسلامی طراحی شده است. اثبات جرم قتل مخالفان سیاسی رژیم در دادگاه برلین خود اثبات صدها جنایت مشابه از شکنجه، قتل و ترور تا فاجعه کشتار جمعی هزاران زندانی سیاسی در تابستان سال ۱۳۶۷ در میهن ماست.

بی تردید حکم تاریخی دادگاه برلین یک پیروزی بزرگ برای مردم ایران و نیروهای مترقی و دموکراتیک آن است. صدور این حکم این امکان تاریخی را ایجاد می کند تا از نظر بین المللی رژیم آزادی ستیز قرون وسطایی را بیش از پیش افشاء، منزوی و زیر فشار قرار داد و گام بعدی را در راه محاکمه عاملان اصلی همه این جنایات چندین ساله برداشت.

حزب ما حکم دادگاه برلین را به مشابۀ داوری استواری که در تاریخ قضای جهان ثبت خواهد شد مورد تأیید قرار می دهد و از همه نیروهای مترقی و مردمی می خواهد که تلاش متحد خود را برای مقابله علیه تروریسم دولتی جمهوری اسلامی دوچندان کنند.

کمیته مرکزی حزب توده ایران
۲۳ فروردین ماه ۱۳۷۶

آزادی برای همه زندانیان سیاسی ایران!

اعلامیه کمیته مرکزی حزب توده ایران به مناسبت اول ماه مه، روز جهانی کارگر

کارگران و زحمتکشان مبارز!

کمیته مرکزی حزب توده ایران فرا رسیدن اول ماه مه، روز جهانی کارگر، روز همبستگی و تجدید عهد با آرمان‌های والای طبقه کارگر و زحمتکشان برای رهایی از بند‌های استثمار و بردگی را به شما و مردم مبارز و رنج دیده میهن صمیمانه شادباش می‌گوید. امسال صد و یازدهمین سال است که کارگران سراسر جهان این روز را گرامی می‌دارند و در تمامی سده گذشته حتی در سخت‌ترین شرایط دشوار فشار و سرکوب این پرچم پرافتخار، را که نمادی نیرومند از مبارزه کار برای رهایی از بند‌های سرمایه است، همچنان در اهتزاز نگاه داشته‌اند.

امسال کارگران جهان در شرایطی به استقبال این روز می‌روند که پس از طی یک دوران کوتاه پرتلاطم و پرفراز و نشیب، جنبش جهانی طبقه کارگر بار دیگر صفوف خود را منسجم می‌کند و پر توان به عرصه مبارزه برای عدالت اجتماعی و دست‌یابی به حقوق خود باز می‌گردد. اوج گیری مبارزات طبقه کارگر در کشورهای پیش‌رفته سرمایه داری، از جمله فرانسه، آلمان، بلژیک، ایتالیا، اسپانیا، یونان و... در کنار مبارزه طبقه کارگر در کشورهای سابق سوسیالیستی برای جلوگیری از استقرار کامل سرمایه داری و احیای دست‌آوردهای سوسیالیسم و مبارزه طبقه کارگر در کشورهای در حال توسعه آسیا، خاورمیانه و آفریقا، نشانگر این حقیقت است که مبارزه طبقاتی در سطح جهان، مبارزه کار علیه سرمایه نه تنها پایان نیافته است بلکه با شدت و ابعاد گسترش یابنده‌ای ادامه دارد.

کشور ما ایران نیز از این قاعده مستثنی نیست. جنبش کارگری ایران، یکی از پیکار جوانترین و پر تجربه‌ترین جنبش‌های کارگری در منطقه خاورمیانه است که تاریخی طولانی و غنی دارد. از برگزاری نخستین راه پیمایی اول ماه مه در ۱۱ اردیبهشت ماه ۱۳۰۱ تا سنگرهای پرغرور انقلاب بهمن ۱۳۵۷، تا مبارزات قهرمانانه کارگران نفت علیه رژیم «ولایت فقیه» در بهمن ماه ۱۳۷۵، جنبش کارگری میهن ما بیش از هفتاد و پنج سال است که می‌رزم، بارها به دست ارتجاع و استبداد و عمال امپریالیسم سرکوب شده است، هزاران کارگر و زحمتکش قهرمان به خاک افتاده‌اند ولی جنبش کارگری ایران و در رأس آن حزب توده ایران، حزب طبقه کارگر میهن ما همچنان زنده است و به پیکار پرافتخار خود ادامه می‌دهد.

امسال کارگران و زحمتکشان میهن ما در شرایطی به استقبال روز جهانی کارگر می‌روند که هنوز تعدادی از هم‌زمانان، ننگران مبارز و قهرمان در چنگال دژخیمان رژیم اسپرند و ارگان‌های سرکوبگر رژیم فقه‌فشار بر کارگران مشرقی و پیشرو را بیش از پیش افزایش داده‌اند. هجده سال پس از انقلاب پرشکوه بهمن و فداکاری‌های کم‌نظیر کارگران، زحمتکشان و اکثریت عظیم توده‌های مردم شرایط برای میلیون‌ها ایرانی بیش از پیش دشوارتر شده است و استبداد، ظلم و بی‌عدالتی بر همه عرصه‌های زندگی مردم ما حاکم است.

در عرصه اقتصادی به دلیل اعمال سیاست‌های ضد ملی و ضد مردمی «تعدیل اقتصادی» و «خصوصی» کردن صنایع، تولید داخلی روند نزولی را طی کرده است ده‌ها واحد تولیدی ورشکست شده و یا در آستانه ورشکستگی قرار دارند، میلیون‌ها ایرانی در صف بیکاران قرار گرفته‌اند و تورم افسارگسیخته حتی تأمین یک زندگی حداقل را از دسترس میلیون‌ها کارگر و زحمتکش ایرانی دور کرده است. این شرایط دهشتناک در حالی به اکثریت مردم میهن ما تحمیل می‌شود که عده قلیلی از جامعه و عمدتاً حکومت‌مداران و وابستگان آنان، ثروت‌های افسانه‌ای برای خود انباشته‌اند و تقدیرنگی موجود متمرکز در دست بخش خصوصی از مرز ۸۵ هزار میلیارد ریال فراتر رفته است. فقر، محرومیت و تعمیق بی‌سابقه فاصله طبقاتی در جامعه ما نتیجه مستقیم سیاست‌ها و برنامه‌هایی است که رژیم کنونی در هجده سال گذشته دنبال کرده است و ایران را در چنین شرایط دشوار و فاجعه‌باری قرار داده است. اثرات وسیع و همه‌جانبه این سیاست‌ها نه

تنها در عرصه اقتصادی جامعه ما را با بحران روبرو کرده است، بلکه در عرصه اجتماعی، به گسترش وسیع ناهنجاری‌ها، فساد، اعتیاد و فحشاء خصوصاً در میان نسل جوان کشور منجر شده است.

کارگران و زحمتکشان مبارز

رژیم «ولایت فقیه»، ماهیتاً یک رژیم ضد کارگری و ضد مردمی است که امروز به سد اساسی هرگونه تحولی به سمت استقرار عدالت اجتماعی، آزادی، دموکراسی و امکان واقعی بازسازی و توسعه میهن ما بدل شده است. تجربه غنی نبرد شما علیه این رژیم نشان داده است که تنها در صورت مبارزه متحد، سازمان یافته و هماهنگ است که می‌توان ارتجاع حاکم را به عقب نشینی‌های مقطعی و قبول برخی از خواست‌های برحق کارگران و زحمتکشان وادار کرد. عقب نشینی‌های رژیم در ماه‌های اخیر، از جمله اعلام افزایش حقوق کارگران به میزان ۲۲/۸ درصد در سال ۱۳۷۶، باز بینی در ضوابط اخذ مالیات از اضافه کار، ایجاد برخی تسهیلات در توزیع بن‌های کارگری و... که عمدتاً به دنبال اعتصاب پیروزمند هزاران کارگر صنعت نفت تحقق یافت بار دیگر نشان داد که طبقه کارگر ایران به خوبی قادر است که در مقابل ارتجاع و استبداد بایستد، از حق خود پیروزمندانه دفاع کند و رژیم را به عقب نشینی وادار کند. تجربه غنی ۷۵ ساله مبارزه کارگری در ایران و بیش از یک سده مبارزه کارگری در سراسر جهان نشان داده است که چاره کارگران، زحمتکشان و رنجبران در مقابل ترسندگی سرمایه داری وحدت و تشکیلات است. طبقه کارگر متحد و سازمان یافته نیروی عظیم رهایی بخشی است که می‌تواند و باید در رهایی میهن از بند‌های استبداد کنونی نقش اساسی را ایفاء کند. امروز در کنار مبارزه صنفی برای افزایش حقوق، بهبود شرایط کار، و تأمین شغلی و اجتماعی مبارزه برای ایجاد تشکل‌های مستقل صنفی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. تلفیق مبارزه صنفی با مبارزه سیاسی در شرایط ترور و اختناق کلید پایه‌گذاری جنبشی است که در انتها قادر خواهد بود به استبداد حاکم در میهن ما پایان دهد. در این مبارزه بغرنج و دشوار می‌بایست از همه امکانات موجود بهره گرفت. استفاده از سازمان‌ها و انجمن‌های رژیم ساخته برای خنثی کردن توطئه‌ها، ترس‌ها و افشای چهره کارگر ستیز رژیم «ولایت فقیه» در کنار پی‌ریزی هسته‌های پیشرو برای سازمان دهی مبارزه و در عین حال فشار برای ایجاد سندیکا و اتحادیه‌های مستقل کارگری از جمله وظایف مهمی است که امروز در مقابل جنبش کارگری میهن ما قرار دارد.

حزب توده ایران در تمامی طول تاریخ پنجاه و پنج ساله مبارزه‌اش، همواره نبرد در راه تحقق آرمان‌های طبقه کارگر را از مهمترین وظایف خود دانسته و امروز نیز متعهد به این تاریخ پرافتخار که از درون آن چهره‌های درخشان جنبش کارگری کشور مانند علی‌امدها، شناسایی‌ها، حسین بورها تولد یافته‌اند، به این پیکار مقدس در کنار کارگران و زحمتکشان میهن ما ادامه می‌دهد. کارگران و زحمتکشان ایرانی بیایید دست در دست هم جبهه واحد ضد دیکتاتوری را در مقابل صف واحد ارتجاع، استبداد و واپسگرایی بنا کنیم و راه را برای تحقق عدالت اجتماعی، آزادی و استقلال بگشاییم. تاریخ هشت دهه مبارزه کم‌نظیر و قهرمانانه طبقه کارگر ایران نوید بخش پیروزی خلق علیه ارتجاع و استبداد است.

فرخنده باد روز اول ماه مه، روز جهانی کارگر!

درد پرشور به خاطر تابناک شهدای جنبش کارگری ایران!

پیروز باد مبارزه خلق در راه طرد رژیم «ولایت فقیه» برای آزادی، استقلال و عدالت اجتماعی!

کمیته مرکزی حزب توده ایران
اردیبهشت ماه ۱۳۷۶

ادامه: یکسال با پیکار طبقه کارگر ایران

- شرایط زندگی، کار و معیشت -

در سراسر سال ۱۳۷۵، علی رغم تبلیغات دروغین سران جمهوری اسلامی، بحران اقتصادی زرفش یافت و در سایه اجرای سیاست «تعدیل اقتصادی»، بنیه اقتصادی و توانایی مالی میهن ما بازم بیشتر فرو ریخت و در نتیجه سطح زندگی مردم بویژه کارگران، زحمتکشان هرچه بیشتر سقوط کرده و فقر اجتماعی ابعاد جدی و دردناکی به خود گرفت.

اجرای مجموعه سیاست های ضد ملی «تعدیل اقتصادی» که از سوی نهادهای قدرتمند سرمایه داری جهانی نظیر صندوق بین المللی پول به سران رژیم دیکته شده است، بازتاب ویرانگر و گسترده ای بر زندگی و امنیت شغلی طبقه کارگر ایران داشته و دارد. تعطیلی و رکود جدی در کارخانجات و مراکز تولیدی بویژه در صنایع استراتژیک در کنار خصوصی سازی واحدهای صنعتی کشور، همگی منجر به موج بزرگی از اخراج ها شده و در ضمن سبب گردید که مسایل بنیادین مورد مطالبه کارگران مانند، سطح دستمزدها، اضافه حقوق، پاداش، معافیت های مالیاتی معین، حق عائله مندی، هزینه مسکن و بهداشت محیط کار و... بادشواری های عدیده و جدی روبرو شود. سرمایه داران و کارفرمایان با حمایت مستقیم و موثر دولت و ارگان های حکومتی، بدیهی ترین خواست های زحمتکشان را نادیده و پامال کردند. برای پی بردن به دشواری های عظیمی که طبقه کارگر میهن مادران گرفتار آمده است، سخنان وزیر اقتصاد رژیم گویا و افشاگرانه است: «در ایران بطور متوسط ۲۲ نفر کار می کنند تا زندگی خود و ۷۸ نفر دیگر را تامین کنند».

اخراج و باز خرید کردن کارگران و یا به عبارت دیگر تعدیل نیروی انسانی «تحت عنوان فریبنده کاهش هزینه ها برای افزایش تولید در سال گذشته ابعاد نگران کننده ای پیدا کرد. به عنوان نمونه، مدیرکل گروه فلزی و ماشین آلات بنیاد مستضعفان درباره تعدیل نیروی انسانی «با وقاحت اعلام می کند: «مدیران وقتی به مساله تعدیل نیروی انسانی توجه می کنند که یا می خواهند تعادلی بین هزینه ها و درآمدها به وجود آورند و یا از رکود شرکت ها جلوگیری کنند و تنگنای تکنولوژی بدهند... برخی واحدهای صنعتی حتی ۵۰ درصد نیروی مازاد روبرو هستند که هزینه زاست... پس تهاراهی که باقی می ماند ریزش نیروست...»!!!

در همین رابطه در گزارشی رسمی سازمان صنایع ملی ایران، تحت نام «سیاست خصوصی سازی در سازمان صنایع ملی» با صراحت فید شده است: «... تقریباً تمام شرکت هایی که مورد مطالعه قرار گرفته اند، پس از واگذاری (یعنی خصوصی سازی) بطور متوسط ۱۵٪ نیروی کار مازاد داشته اند. اکثریت شرکتها و کارخانجات به نحوی در صدد کاهش نیروی کار مازاد خود برآمده اند ولی به دلیل مسایل مختلف (بخوان جنبش اعتراضی کارگران) نتوانسته اند ۱۰٪ از نیروی کار مازاد خود را کاهش دهند». علیرضا محجوب نماینده رژیم در مجلس شورای اسلامی و دبیرکل خانه کارگر جمهوری اسلامی نیز در سال گذشته بحران بیکاری را معضل عمده کارگران نامیده بود. وضعیت اخراج همچنان ابعادی گرفت و اعتراضات بی دربی کارگری را موجب شد که رژیم ناچار شد دست به مانور بزند، مرتضی محمدخان وزیر اقتصاد در گردهمایی گروهی از مدیران منتخب سازمان مالی گسترش مالکیت واحدهای تولیدی در مهرماه ۱۳۷۵ گفت: «اخراج کارگران برای کاهش هزینه تولید اشتباه است، قبل از این اقدام باید راههای دیگری برای کاهش هزینه ها پیدا کرد...».

علاوه بر معضل بیکاری، سقوط سطح زندگی خانواده های کارگری و تنزل نگران کننده اموری مانند تغذیه، بهداشت و درمان، آموزش، تفریحات در میان طبقه کارگر در سال گذشته هشدار دهنده بود. درصد بزرگی از کودکان و نوجوانان متعلق به طبقه کارگر از سوء تغذیه رنج می برند و امکانات غذایی و تامین پروتئین و ویتامین ضروری محروم هستند. درصد قابل توجهی از فرزندان کارگران به دلیل شهریه های سنگین و قیمت سرسام آور نوسان افزار و کتاب، ترک تحصیل کرده و می کنند. بعلاوه در سال پیش، برخی از مهم ترین دستاوردهای مبارزات تاریخی طبقه کارگر از سوی رژیم مورد تهدید قرار گرفت، از جمله سازمان تامین اجتماعی. گردانندگان رژیم کوشیدند نهاد بوسیده و به شدت واپس مانده ای به نام کمیته «امداد امام خمینی» را بعنوان جایگزین تامین اجتماعی مطرح سازند. این طرح با مقاومت قاطع کارگران روبرو شد. طی سال ۱۳۷۵، رژیم ولایت فقیه در مانورهای رنگارنگ و مختلف تلاش ورزید مسیر مبارزه طبقه کارگر را منحرف سازد. یکی از مهم ترین این ترفندها که از سوی محافل و جریانات وابسته به حکومت مانند «خانه کارگر» و «شورای اسلامی کار» بسیار مهم جلوه داده می شد، واگذاری سهام کارخانجات و واحدهای تولیدی به کارگران بود.

در پاییز سال گذشته، رئیس سازمان گسترش مالکیت واحدهای تولیدی اعلام داشت: «میزان سهام واگذار شده در شش ماهه اول سال ۱۳۷۵، ۹ میلیون و ۴۳۴ هزار و ۴۸۱ سهم بود که به ۲۹ هزار و ۷۰ نفر از کارگران ۴۵ واحد تولیدی واگذار شده است. شافعی، وزیر تعاون رژیم ماهیت و واقعیت مساله واگذاری سهام

به کارگران را چنین بیان می کند: «واگذاری سهام به کارگران یارانه ای است که دولت به منظور تشویق آنها در امر تولید بیشتر تقبل کرده است...». این ترفند هیچ مشکلی از مشکلات کارگران راحل نکرده و نخواهد کرد. حزب ما به موقع خوددلالی و اهداف چنین ترفندی را افشاء کرده است. یکی از آخرین مانورهای رژیم تشکیل یک باندا ارتجاعی و سرکوبگر در محیط های کارگری تحت عنوان «جامعه اسلامی کارگران» است. هدف این جریان سیاه کوشش برای تبلیغ «ولایت فقیه» در مراکز کارگری است. پاسخ کارگران به این ترفند محتاج بیان نیست.

- جنبش اعتراضی روبه گسترش -

بر بستر معضلات پیش گفته در سال گذشته، جنبش اعتراضی طبقه کارگر هم به لحاظ کیفی و هم از نظر کمی رشد داشته و سیرا اعتلا بی پیموده است. هر چند این اعتراضات هنوز به مرحله پختگی و بلوغ از نظر سازماندهی، تشکیلات، ارتباطات و همبستگی نرسیده است، اما این راه آغاز شده و متوقف نخواهد شد. جنبش اعتراضی در اشکال گوناگون و شیوه های متنوع در بسیاری از مراکز تولیدی و کارخانجات با سطوح مختلف رخ داد. کم کاری، تحصن، اعضاء طومار، اعتصاب و تظاهرات خیابانی از مزمره اشکال پرتنوع و بفرغ جنبش اعتراضی طبقه کارگر میهن مادر یکسال گذشته به شمار می روند. برخی اعتراضات و اعتصابات مانند اعتصاب کارگران کارخانه چیت ری در اردیبهشت ماه سال گذشته، اعتصاب کارگران کارخانه های آجر در اصفهان، اعتصاب کارگران کارخانه ریساندی و بافندگی بارش اصفهان، اعتصاب و تحصن در کارخانه وطن اصفهان، اعتراضات در کارخانه رنگرزی و نساجی برای جلوگیری از اخراج کارگران، اعتصاب مهم کارگران نساجی قائم شهر (شاهی) مازندران، تحصن و اعتصاب در شرکت دخانیات اصفهان و سرانجام اعتصاب پیروز مند نفتگران پالایشگاه نفت تهران و اعلام همبستگی دیگر نفتگران در تبریز - شیراز، مشهد و اصفهان و آبادان با آنها نمونه های افشاء شده از صدها حرکت اعتراضی است که در طول یکسال گذشته اخبار آن درز پیدا کرده است.

از مهمترین ویژگی های این جنبش اعتراضی که حائز اهمیت فراوان نیز هست اینکه حرکت های اعتراضی علی رغم میل و کوشش فوق العاده زیاد رژیم «ولایت فقیه» در خارج از چارچوب مورد نظران، یعنی تشکل های زرد و ارتجاعی مانند «شورای اسلامی کار» و «خانه کارگر» شکل گرفته و بروز می کند. در این مورد علیرضا محجوب دبیرکل خانه کارگر، ارگان گوش بفرمان رژیم اخیراً در مصاحبه با یک نشریه سوئدی درباره اعتصاب پیروز مند نفتگران تهران اعتراف می کند: «روز حادثه (یعنی آغاز اعتصاب پالایشگاه تهران) ۲۰۰۰ کارگر در پیرون ساختمان وزارت نفت در تهران اجتماع کرده و ما که آنجا بودیم تلاش کردیم حرکت را متوقف کنیم و همچنین می کوشیدیم نیروهای امنیتی را آرام کنیم، اما ما نتوانستیم و این حرکت چون غیرقانونی بود، بازم نتوانستیم جلوی پلیس را بگیریم...» و عبارت روشن، علیرضا محجوب اعتقاد دارد که اعتراضات حقیقی طلبانه کارگران از جمله اعتصاب نفتگران به زعم او غیرقانونی است و دیگر اینکه آنها یعنی تشکل های زرد و ارتجاعی نمی توانند جلوی این نوع حرکت ها را بگیرند! این ویژگی مهم یعنی استقلال عمل کارگران خارج از تشکل های ارتجاعی رژیم، نقش بسزا و پراهمیتی در آینده جنبش کارگری و شکل گیری سندیکاها و اتحادیه های مستقل ایفا خواهد کرد. ویژگی دیگر صراحت و قاطعیت خواست های کارگران میهن ماست. به عبارت دقیق تر به خوبی می توان مشاهده کرد که در تمامی حرکت های اعتراضی برخلاف گذشته در طول حیات جمهوری اسلامی پس از سرکوب های خشن دهه ۶۰ خورشیدی، طبقه کارگر خواست های خود را بطور صریح و روشنی اعلام می دارد و از خواست های کلی و مبهم فاصله گرفته است. این گامی مثبت و ارزنده محسوب می شود و رشد آگاهی طبقاتی را می رساند. در اعتراضات و مبارزات سال اخیر موارد روشن مانند افزایش دستمزد متناسب بانرخ واقعی تورم، جلوگیری از اخراج حق، مساله مالیات ها طرح طبقه بندی مشاغل، عدم مداخله ارگان های سرکوبگر مانند انجمن اسلامی و حراست در محیط های کارگری و تشکل های مستقل کارگری... مطرح شده اند. در کنار این ویژگی های یاد شده خصلت سیاسی و تلفیق اهداف صنفی و سیاسی هرچه بیشتر خودنمایی می کند. جنبش اعتراضی کنونی طبقه کارگر میهن ما با همه ضعف ها در ماهیت خود هدف ها و خواست های سیاسی را نیز در بردارد. اتفاقاً همین امر است که رژیم را نگران ساخته و ارگان های امنیتی و پلیسی آنرا در برخورد با کارگران درنده تر می سازد.

تلفیق اصولی و آگاهانه منافع صنفی و سیاسی و هویشیاری و درایت در مطرح ساختن آنها، بویژه در شرایط حاضر، بی نهایت پراهمیت است.

- خواستها و مسایل میرم -

همانطور که اشاره شد طبقه کارگر خواست های خود را مشخص و روشن بیان می کند، این یک تحول مثبت در طول سال گذشته بود و نمایانگر رشد آگاهی طبقاتی زحمتکشان میهن مادر شرایط حاضری باشد. میرم ترین خواست های کارگران و زحمتکشان ایران که در اعتراضات مختلف اعلام شدند عبارت بودند از: افزایش اصولی دستمزدها، متناسب بانرخ واقعی تورم، در این زمینه در سال گذشته شورای عالی

فرازهایی از تاریخ جنبش کارگری ایران

فرارسیدن ۱۱ اردیبهشت روز جهانی کارگر، فرصت مناسبی است تا ضمن گرامیداشت این روزنگاهی به گذشته پرافتخار مبارزات طبقه کارگر ایران انداخته شود. این صرفاً نگاهی به گذشته نیست، بلکه تجربه اندوزی و پایبندی به عالی ترین سنت های پیکار طبقه ای است که مهرو نشان خود را بر کلیه رخدادهای انقلابی در یکصد سال گذشته میهن ما زده است. با پیدایش و گسترش مناسبات سرمایه داری در ایران و رویدادهایی که در پی آن به وقوع پیوست طبقه کارگر ایران از بطن تحولات پا به عرصه وجود گذاشت، رفیق شهید عبدالحسین آگاهی در پژوهش های معتبر و ارزنده خود، روند پیدایش طبقه کارگر را از نقطه نظر عینی و علمی چنین بازگویی کند: «دهه های هفتم و هشتم سده ۱۳ هجری، دورانی است که در ایران با وجود موانع معین، روند پیدایش و گسترش طبقه کارگر آغاز شده است، اگرچه در ترکیب مجموعه این طبقه عده پرولتاریای معاصر کم است، معذالک عده زیادی به کارمزدی در صنایع متوسط و کوچک شهری و روستائی در حمل و نقل و غیره به کار اشتغال داشته اند...» با گسترش شیوه تولید سرمایه داری در تمامی سطوح میهن ما، طبقه کارگر هر چه بیشتر رشد کرد و جایگاه معین خود را در ساختار طبقاتی جامعه گشود. جنبش کارگری ایران برخلاف مسیر کلاسیک در اروپای باختری و آمریکا، به دلیل شکل معین و عینی رشد تولید سرمایه داری و دیگر عوامل مشخص تاریخی شکل گرفته و تکامل یافته است.

نخستین تشکل های کارگری ایران، به شکل اتحادیه ها و انجمن های صنفی بودند که بیشتر بر مناسبات و روابط دوران فئودالی مبتنی بود. شکل نوین اتحادیه های کارگری به سالهای ۱۲۸۶ هجری می رسد. در تیرماه سال ۱۲۸۶، روند زایش و تکامل جنبش کارگری، اتحادیه نوپا اما نیرومند و متحد کارگران چاپخانه های تهران، اعتصاب ۴ روزه ای را اعلام کردند. این حرکت بویژه دارای اهمیت بسزائی در تاریخ جنبش کارگری و سندیکائی ایران است. این اعتصاب به دنبال اعلام ممنوعیت انتشار روزنامه های مترقی آن زمان «حبل المتین» و «صویرسرافیل» توسط دربار و روحانیون مرتجع صورت پذیرفت. یکی از مهمترین حرکت های اعتصابی و برنامہ ریزی شده دوران اول مبارزات کارگران اعتصاب متشکل اتحادیه کارگران چاپخانه های تهران در سال ۱۲۹۷ بود. با توجه به سابقه درخشان مبارزاتی این اتحادیه، تشکل مزبور موقعیت برجسته ای در مبارزات داشت. خواست این اعتصاب بهبود وضع کارگران - قرار ۸ ساعت کار در روز - حق انعقاد قرارداد اجتماعی با صاحب کار... بود. این اعتصاب ۱۴ روز طول کشید و سرانجام بخشی از مطالبات کارگران مورد قبول واقع شد. از میان رهبران همین اتحادیه کارگران چاپخانه های تهران است که رفیق شهید مرتضی حجازی یکی از چهره های مبارز طبقه کارگر ایران و از نخستین شهیدان جنبش کمونیستی ایران طلوع می کند.

در سال ۱۲۹۹ حزب کمونیست ایران پایه گذاری می شود. حضور حزب به اعتلای جنبش و رشد و پختگی آن می افزاید. از سالهای ۱۲۹۷ تا ۱۳۰۰، اتحادیه های کارگری بی وقفه رشد می کنند. در تهران در حدود ۱۰ اتحادیه فعال هستند. در سال ۱۲۹۹ مجموعه اتحادیه های کارگری تهران به جز خبازان، شورای مرکزی اتحادیه های کارگری تهران را بنا می نهند. این یک واقعه مهم و پرازش با تاثیرات بزرگ در جنبش کارگری بود. همین شورای مرکزی اتحادیه های طی چند مرحله توسعه می یابد و اتحادیه های کارگری شهرهای دیگر نظیر، رشت، تبریز، اصفهان، بندرانزلی و مشهد... به آن می پیوندند و پس از آن رسماً به عضویت انترناسیونال اتحادیه های کارگری (پروفرینترن) در می آید. طبقه کارگر ایران بطور جدی و رسمی برای نخستین بار در سال ۱۳۰۱ روز اول ماه مه را طی یک تظاهرات خیابانی باشکوه برگزار کرد. در سالهای ۳-۱۳۰۲ تعداد اتحادیه های کارگری تهران به نزدیک ۱۵ می رسد. طی این سال ها روزنامه حقیقت به عنوان نشریه حزب و نیز ارگان اتحادیه های کارگری در تهران شروع به انتشار کرد. حقیقت زبان گویای کارگران و از محبوب ترین روزنامه های آن سال هاست. مدیرمسئول آن رفیق فقید محمد دهگان و سردبیرش زنده یاد رفیق جعفریپیشه وری بود. در این روزنامه بعلاوه، برخی چهره های سرشناس جنبش کارگری و کمونیستی ایران مانند، شخصیت نامدار جنبش رفیق حسن نیک بین (فارسی) که سال های متعددی پس از شهادت حیدرخان عموآوغلی دبیرمسئول حزب کمونیست ایران بود، مقاله می نوشتند. در سال ۱۳۰۶ پس از کنگره دوم حزب، فعالیت اتحادیه کارگران نفت جنوب گسترش فوق العاده پیدا کرد. در اواخر سال ۱۳۰۷ با کوشش جدی سازمان ایالتی خوزستان حزب کمونیست ایران، کنفرانس دوم اتحادیه کارگران نفت جنوب برپا شد برپایه آمار رسمی شمار اعضای اتحادیه کارگران نفت جنوب در آن سال ها حدود ۳ هزار نفر بود. پاره ای از تصمیمات کنفرانس دوم این اتحادیه آشکارا خصلت سیاسی داشت و رشد و بلوغ طبقه کارگر را نشان می داد. مانند تجدید

نظر در امتیاز نفت جنوب، مخالفت با پلیس انگلیسی جنوب و غیره... در تمام این فعالیت ها حزب کمونیست نقش اساسی را دارا بود. برپایه تصمیمات ذکر شده در ۱۴ اردیبهشت سال ۱۳۰۸ اعتصاب بزرگ و فراگیر نفتگران آغاز شد. واحدهای ارتش رضاخان و نیروی دریایی انگلستان به کارگران حمله کردند. دوستان نفراز جمله رهبران اعتصاب دستگیر شدند. از دل همین مبارزه تاریخی و پرازش واز میسان اتحادیه کارگران نفت جنوب، چهره پرفروغ و افتخار آفرین تاریخ جنبش سندیکائی، سمبل و قهرمان نامدار نفتگران ایران، زنده یاد رفیق فقید علی امید وارد عرصه مبارزه شد و معرفی گردید. رفیق علی امید بعنوان یکی از رهبران اعتصاب به مدت ۱۰ سال در زندان رضاخان زندانی شد. این سمبل شکست ناپذیری کارگران تا پایان عمر در راه طبقه کارگر مبارزه کرد و در صفوف حزب توده ایران تا آخر زرمید. این حرکت پیامدهای بسیاری داشت. سرکوب خشن اعتصاب نفتگران، پایان کار جنبش کارگری نبود. اعتصاب بزرگ کارگران راه آهن شمال کارگران مازندران در سال ۱۳۰۹، گرچه به سختی سرکوب شد، اما نشانه ادامه مبارزه بود. در سال ۱۳۱۰ نیز اعتصاب پرشکوهی در کارخانه وطن اصفهان سازماندهی شد. رهبر و سازمانگران این اعتصاب مهم، مبارز نامدار و ارزومره رهبران سرشناس حزب کمونیست ایران، رفیق فقید کامران آقازاده بود. در سال ۱۳۱۰ به دنبال اوجگیری مبارزه، دیکتاتوری رضاخان، مقدمات قانون سیاه ضد کمونیستی رافراهم ساخت و سپس به تصویب رساند. حزب و اتحادیه های کارگری مورد بی رحمانه ترین پیگردها قرار گرفتند. با وجود این در سال های دیکتاتوری رضاخان علی رغم پیگرد خشن مبارزه ادامه داشت.

در سال ۱۳۲۰ با بنیادگذاری حزب توده ایران به عنوان یگانه ادامه دهنده راه ناتمام حزب کمونیست جنبش وارد مرحله نوین شد و گامهای کیفی بزرگی به جلو برداشت. طی سال های ۱۳۲۰ تا ۱۳۲۵ جنبش کارگری و سندیکائی میهن ما رشد زیادی نمود. شورای مرکزی اتحادیه های کارگری ایران در سال ۱۳۲۱ با ۳۰ هزار عضو تاسیس شد. در ادامه سیر صعودی و رشد یابنده جنبش، اول ماه مه سال ۱۳۲۲، شورای مرکزی اتحادیه های کارگران و زحمتکشان ایران پایه ریزی می شود، که شامل تجمع چهار مرکز سندیکائی ایران بود.

کارگران نفت تیریس از جندی سندیکائی کارگران نفت خوزستان را ایجاد می کنند و بی درنگ به شورای متحده مرکزی می پیوندند، بدین سان وحدت کامل جنبش سندیکائی سراسری ایران تحقق می یابد. بیش از ۳۰ هزار کارگر ایرانی زیر پرچم شورای متحده مرکزی گرد می آیند و روزنامه ظفر بعنوان ارگان شورای متحده انتشار می یابد. شورای متحده مرکزی، مهمترین، متشکل ترین و کارآمدترین مرکز سندیکائی در خاور میانه و آسیا بود. این تشکل در سال ۱۳۲۵ مورد شناسایی سازمان جهانی کارگران یعنی فدراسیون سندیکاهای جهانی قرار می گیرد. فعالین توده ای، نظیر رفیق رضا روستا که از کمونیست های قدیمی و از زمره پایه گذاران حزب توده ایران بود، در راس شورای متحده مرکزی قرار داشتند. زیر فشار نیرومند این تشکل بود که دولت وقت و ادارش برای اولین بار بپذیرد که نماینده کارگران می باید در شورای عالی کار شرکت داشته باشد. شورای متحده رسماً وارد شورای عالی کار شد. تاسیس وزارت کار نیز به نوعی حصول مبارزات کارگران بود. نقش روه افزایش طبقه کارگر در تولید اجتماعی و حضور توانمند حزب سیاسی طبقه کارگری جنبش توده ایران از جمله عواملی بودند که در تکامل و رشد این دوره موثر بوده اند.

یکی از مهم ترین و به یادماندنی ترین دستاوردهای این دوران قانون کار است. در روز ۱۴ اردیبهشت ماه سال ۱۳۲۳، حزب توده ایران بوسیله نمایندگان خود (فراکسیون توده) در دوره چهاردهم مجلس شورای ملی، لایحه قانون کار را تقدیم کرد... این دستاورد بزرگ، هرگز از ضمیر تاریخی کارگران و زحمتکشان میهن ما زوده نخواهد شد. یکی از برجسته ترین اعتصابات این دوره اعتصاب کارگران نفت آعاجاری در ۲۳ تیر ۱۳۲۳ بود. که تا حد معینی به امپریالیسم فرتوت انگلستان در ایران ضربه وارد ساخت.

در این سال ها جنبش کارگری تحت هدایت حزب توده ایران ستون فقرات جنبش ضد امپریالیستی و ملی مردم ما برای ملی کردن صنایع نفت بود. اعتصاب بزرگ نفتگران خوزستان در سال ۱۳۳۰ یکی از درخشان ترین صفحات مبارزات آزادیبخش و دموکراتیک کشور ما است. این حرکت انقلابی زمینه لازم و شرایط را برای تصویب قانون ملی شدن صنعت نفت و به قدرت رسیدن دکتر محمد مصدق فراهم ساخت. رفیق شهید مهدی کیهان که از پژوهندگان صاحب نظر و معتبر مسائل کارگری است در این باره نوشته است: «بررسی تاریخ مبارزات کارگران در این دوره

ادامه‌فرازهایی از تاریخ جنبش کارگری

نشان می‌دهد که طبقه کارگرایان نه تنها در دوران تکوین و تدارک جنبش ملی شدن نفت، بلکه در جریان حوادث اصلی آن بانشارخون، نقش اساسی و سرنوشت ساز را در پیروزی این جنبش برعهده گرفت. «با پیروزی کودتای ننگین ۲۸ مرداد و تسلط دیکتاتوری لگام گسیخته شاه خاثن، جنبش کارگری گام به مرحله دیگری گذاشت. مبارزه کارگران در سراسر ۲۵ سال اختناق سیاه به اشکال مختلف ادامه داشت. طی این سالها بیش از هزاران اعتصاب و حرکت جدی صورت گرفت.

در سال ۱۳۳۴ در نخستین سال سیطره کنسرسیون نفت، کارگران نفت آبادان اعتصاب کردند. در سال های ۳۰ و ۴۰ خورشیدی، جنبش کارگری علی رغم فشار دیکتاتوری و سرکوب اوج گرفت. به خاطر داریم که منوچهر اقبال، نخست وزیر وقت از تریبون مجلس گفت: «از این کلمه اعتصاب بدم می‌آید... این لغت را توده ای‌ها آوردند...».

اعتصابات گسترده طی ۲۵ سال پس از کودتای آمریکایی ۲۸ مرداد، صرفا بیانگر خواست های صنفی و رفاهی نبود، بلکه تلفیق آگاهانه و هوشیارانه این خواست ها با مبارزه سیاسی برضد دیکتاتوری شاه و نفوذ امپریالیسم بویژه آمریکا بود. در سال های پایانی دهه ۵۰ خورشیدی با زرفش بحران، جنبش سیرا اعتلایی یافت و سرانجام به پیروزی انقلاب شکوهمند بهمن ختم شد. نقش طبقه کارگر در پیروزی انقلاب فراموش نشدنی است. جنبش اعتصابی کارگران در رشته های گوناگون بویژه نفت، پولاد، برق و نساجی، کمترین سلطنتی را شکست. بویژه اعتصابات شکوهمند نفتگران در پیروزی انقلاب نقش اساسی را ایفا کرد. طبقه کارگر و پیشاپیش آن کارگران صنعت نفت با حضور موثر و مستقیم خود به حیات دیکتاتوری شاه پایان دادند. پس از پیروزی انقلاب، رژیم واپسگرای «ولایت فقیه» به انحاء مختلف تلاش و وزید تا مبارزه طبقه کارگرایان را منحرف کرده و خامنه دهد. تبلیغ این نظر سراپا ارتجاعی که سندیکا گرایی است و کارگران سندیکا نمی‌خواهند، در همان سال های اولیه نشان غده اهداف و امیال واقعی حکومت بود.

در سال های پس از انقلاب دهها و صدها تشکل چه به صورت سندیکا و چه شورا در مراکز تولیدی و کارخانجات تشکیل شد. در سال ۱۳۵۸، انجمن همبستگی سندیکاهای و شوراهای کارگران و زحمتکشان تهران و حومه تاسیس شد و نقش ارزنده ای در مبارزات صنفی ایفا کرد. در همین سال، پس از سالیان دراز، جشن اول ماه مه باشکوه هرچه تمامتر در تهران برپا شد. روزنامه اتحاد که منعکس کننده نظرات و منافع سندیکاهای کارگری بود در تهران منتشر شد و خیلی زود مورد استقبال کارگران قرار گرفت. در نشریه اتحاد شماری از چهره های مشهور سرشناس حزب ماماندر فراقی شهید حسین جودت و مهدی کیهان مقاله می‌نوشتند و در راه روشنگری و آگاهی کارگران نقش مثبت و ارزنده ای ایفا کردند.

یکی از درخشان ترین صفحات مبارزه این دوران که تحت رهبری و سازماندهی حزب توده ایران انجام شد مقاومت و مبارزه متحد و یکپارچه کارگران علیه قانون کار ارتجاعی توکلی بود. در این قانون کار حتی بدیهی ترین حقوق زحمتکشان نادیده گرفته و به رسمیت شناخته نمی‌شد. این مبارزه عالی و پیرومند ضربه سختی بر رژیم «ولایت فقیه» بود. بی جهت نیست که علی خامنه ای ولی فقیه این حکومت سال ها بعد هراس سرکردگان جمهوری اسلامی از طبقه کارگر را با جملاتی نظیر «در اوایل انقلاب حزب توده تسلط داشت، ... همه جا حضور داشت ...» بیان کرد. در سال ۱۳۶۱ ابتدا تشکل های کارگری غیر قانونی شد و از فعالیت انجمن همبستگی ممانعت بعمل آوردند. برخی از فعالین این تشکل مانند رفیق شهید حسن جلالی را دستگیر و سپس اعدام کردند. یورش گسترده به حزب به این مرحله از رشد و مبارزه طبقه کارگر پایان داد و مبارزه در اشکال نوین و با توجه به شرایط روز ادامه یافت. طی نزدیک به دو دهه اعتصابات و اعتراضات کارگری خواب را از چشم ایادی رژیم فقها برده است. اعتصاب پیروزمند کارگران نفت تهران یکی از نمونه های اخیر و در عین حال ارزشمند این مبارزه رشد یابنده بود. اعتصاب نفتگران پالایشگاه تهران و همبستگی دیگر کارگران نفت، در سایر شهرها با آنان، فقط یک اعلام آمادگی و قدرت نمایی آگاهانه طبقه کارگر در برابر رژیم فاسد و پوسیده «ولایت فقیه» است.

طبقه کارگر و جنبش کارگری میهن ما برای نبردهای جدی و سرنوشت ساز آماده می‌شود و از هزار باره شایستگی های لازم را دارا است. حزب توده ایران همچون همیشه به گواهی تاریخ در این مبارزات سنگر تسلیم ناپذیر زحمتکشان است.

تاریخ معاصر ما از تاریخ یکبار طبقه کارگر جدا نیست. نگاهی به این فرازهای جنبش کارگری نشان می‌دهد. در هر تحول و رخدادی نقش کارگران کلیدی و سرنوشت ساز بوده است. جنبش کارگری ایران در تحولات حال و آینده نیز چنین نقشی را ایفا خواهد کرد.

ادامه: یکسال با یکبار طبقه کارگر

کار جمهوری اسلامی در جهت تامین منافع سرمایه داران و کارفرمایان میانگین حقوق کارگران در سال ۱۳۷۵ را ۲۸۷۶۴ هزار تومان در ماه تعیین کرد، این محاسبه نه بر مبنای واقعیت و نرخ واقعی تورم محاسبه شده و نه در برگیرنده منافع طبقه کارگر بود.

در این زمینه یکی از نمایندگان عضو هیئت مدیره شوراهای اسلامی کار استان تهران وابسته به رژیم آمریکان دهنده ای ارائه کرد، طبق آمار وی: حداقل حقوق کارگران فقط ۲۳ درصد از هزینه های خانوارها را بر اساس شاخص های بانک مرکزی تامین می‌کند... حداقل دستمزد کارگران در سال گذشته حتی به رقم قراردادی رژیم برای خط فقر هم نمی‌رسید! برای سال جاری، سال ۱۳۷۶ خورشیدی نیز شورای عالی کار رژیم بر پایه سنت ضد کارگری خود، میانگین حداقل دستمزد را با آمار و ارقام واهی و ساختگی محاسبه کرده و اعلام داشته است. بر پایه اعلام رسمی وزارت کار، به تصویب شورای عالی کار حداقل دستمزد ماهانه کارگران مشمول قانون کار، در سال ۱۳۷۶ حدود ۲۲/۸ درصد افزایش می‌یابد. این افزایش به هیچ وجه نمی‌تواند پاسخگوی نیازمندی های یک زندگی حداقلی برای خانواده های کارگری باشد و همچنین منطبق با نرخ واقعی تورم موجود نیست. مبارزه برای افزایش دستمزد متناسب با نرخ واقعی تورم، کماکان بعنوان یکی از مهمترین خواست ها و عرصه های مبارزاتی طبقه کارگرایان مطرح است و کارگران بیش از پیش در راه آن یکبار خواهند کرد. علاوه بر این میزان حق عائله مندی، کمک هزینه های مسکن، بن کارگری و کیفیت آنها و طرح جدی آنها از زمره خواست های کارگران در سال گذشته بود و همچنان این حقوق و مطالبه آنها مطرح خواهند بود. طرح طبقه بندی مشاغل همواره از خواست های جدی طبقه کارگری سالیان گذشته بوده است. همین خواست به وضوح و روشنی از نکاتی بود که در میان خواست های نفتگران اعتصابی پالایشگاه تهران به چشم می‌خورد. اجرای طرح طبقه بندی مشاغل مترقی و در برگیرنده منافع کارگران خواست مبرم هزاران زن و مرد زحمتکش میهن ماست. این یکی از جدی ترین عرصه های مبارزه در طول یکسال گذشته بود و همچنان بعنوان یک حق طبیعی و قابل وصول قلمداد می‌شود و به رویارویی بیشتر رژیم و کارگران منجر خواهد شد. بهبود شرایط کار، توقف سیاست تعدیل اقتصادی و تعدیل نیروی انسانی، مسکن مناسب ارزان و مدرن، بهداشت محیط کار و بالابردن ضریب ایمنی و حفاظت در کارخانه ها و بهبود وضعیت اسف بار بیمه های درمانی کارگران از دیگر خواست ها و مطالبات برحق و عادلانه طبقه کارگر در طول سال ۱۳۷۵ بود. از سوی دیگر مطرح شدن جدی تر تدوین قانون کار مترقی به سود کارگران و زحمتکشان در سال گذشته قابل لمس بود. قانون کار جمهوری اسلامی به سود و در جهت تامین منافع کارگران نیست. کمالی، وزیر کار رژیم درباره قانون کار در سال گذشته آشکارا اعتراف کرد که این قانون در بسیاری موارد از جمله اخراج کارگران منافع کارفرمایان و سرمایه داران را تامین میکند، کمالی معترف است که: «بر اساس قانون کار موجود در حال حاضر ۷۰ درصد آرای صادره از سوی هیات های حل اختلاف به نفع مدیران و کارفرمایان است...»

درست بر پایه این واقعیت هاست که جنبش کارگری میهن ماتدوین قانون کار مترقی را برادری از زمره خواست های اساسی خود عنوان کرده و خواهد کرد. داشتن و تاسیس تشکل های مستقل واقعی طبقه کارگر در شرایط کنونی به ضرورتی انکار ناپذیر بدل شده است. این خواست اصولی و حیاتی در سال گذشته به انحاء مختلف و در فرصت های گوناگون با قاطعیت از سوی کارگران عنوان گردید. از جمله در اعتصاب نفتگران پالایشگاه تهران یکی از موارد مطالبه تشکیل اتحادیه های کارگری مستقل بود. این مساله رژیم را به هراس افکند تا جایی که روزنامه کار و کارگر چاپ تهران هشدار داد: باید منتظر سازمان های مخفی در محیط های کارگری بود...»

- جنبش کارگری به پیش میرود -

بازرزیایی واقع بینانه یکبار طبقه کارگر میهن مادر سال گذشته، این نتیجه روشن به دست می‌آید که امسال و سال های آینده، جنبش اوج بازم بیشتر خواهد گرفت و طبقه کارگر با عزم راسخ در صحنه مبارزه در میدان تحولات آتی حضور جدی خواهد داشت. در این راه یخستگی، آسادگی لازم، تجربه اندوزی از تاریخ جنبش کارگری، سازماندهی، تشکیلات و اتحاد آهنین و پیوند محکم و ارگانیک با حزب طبقه کارگر، حزب توده ایران ضرورت تام و اساسی دارد. تجربه بیش از ۸۰ سال جنبش کارگری نشان می‌دهد، کارگران قهرمان ایران قادر به انجام این مهم و به فرجام رساندن رسالت تاریخی خود را دارا هستند. در شرایط کنونی اتحاد هرچه بیشتر بین کارگران و سازمان یافکی مبارزه آنها و کار بست و تلفیق اشکال متنوع مبارزه و طرح دقیق و به موقع خواست های صنفی و سیاسی از اولویت های غیر قابل چشم پوشی به شمار می‌آیند.

حزب ما، باتمام توان و نیرو و همچنانکه تاریخ گذشته به اثبات می‌رساند. در کنار طبقه کارگر و بعنوان هدایتگر و سازمان دهنده مبارزات کارگری حضور دارد و قاطعانه حضور خواهد داشت.

ادامه: خاورمیانه نیاز

اسلامی است اجازه فعالیت دارند، سندیکالیست هایی که عقاید دیگری دارند مجاز نیستند که هیچ مسؤولیتی را به عهده بگیرند و هرگونه فعالیت در جهت دفاع از حقوق کارگران با وحشیانه ترین سرکوب ها روبرو می شود.

در جمهوری اسلامی عملاً هیچگونه اتحادیه کارگری قانونی با مضمون دفاع از حقوق صنفی و شرایط کاری اعضا وجود ندارد. شوراهای اسلامی کار که از سوی رژیم مورد حمایت هستند، به دلیل ساختارشان نمی توانند به عنوان اتحادیه های کارگری شناخته شوند. به غیر از کویت، تمامی کشورهای منطقه مانع تاسیس اتحادیه های کارگری می شوند. در بحرین- عمان و قطر ایجاد شوراهای مشترک کارگر و کارفرما و مدیران کارگاه ها مجاز شمرده می شود. این کمیته های مشورتی گاهی به شکایات کارگران رسیدگی می کنند ولی در کل سازمان های بی بو و خاصیتی هستند، چرا که محافل حاکمه هر لحظه می توانند مداخله کرده و آن آزادی های محدودی را که «عطا» کرده اند، بازپس بگیرند. دولت ها با هرگونه کوششی برای سازماندهی در خارج از چارچوب چنین کمیته هایی با خشونت برخورد می کنند.

حق انعقاد قراردادهای دسته جمعی، آنهم فقط در شکل و بر روی کاغذ، در برخی از کشورهای خاورمیانه و جهان عرب به رسمیت شناخته شده است ولی در عمل، در اکثر کشورهای منطقه حقوق و شرایط کاری کارگران توسط وزارت مربوطه تعیین می شود.

ممنوعیت اعتصاب

اعتصاب به طور کامل ممنوع است و در کشورهای نظیر عراق، سودان و جمهوری اسلامی ایران به عنوان جرمی شناخته می شود که مجازات آن مرگ است.

در اکثر کشورهای خاورمیانه، قوانین کارگری در بردارنده مفادی هستند که نظارت و کنترل دولت بر انتخابات داخلی اتحادیه های کارگری و سازمان های صنفی کارگران را ممکن می سازد. چنین مفادی به دولت اجازه می دهد که هر عضو هیات رهبری اتحادیه کارگری را که کارگران را به اعتصاب بخواند و یا اینکه دست به فعالیت هایی بزند که از نظر دولت «منافع ملی» را به مخاطره می اندازد- از مقام خود برکنار کند. تفسیر «منافع ملی» آنقدر مبهم است که دولت می تواند در هر لحظه برای توجیه مداخله خود از آن استفاده کند. در اکثر کشورهای منطقه اجازه دولت برای فعالیت معمول و روزانه اتحادیه ها ضروری است. چنین وضعیتی لازم می سازد که جنبش سندیکایی بین المللی در همبستگی با کارگران کشورهای منطقه فعالانه عمل کند. سازمان جهانی کار باید به طور جدی در جهت اعمال میثاق های خود و نیز مصوبات کنفرانس های خود در راستای بسط احترام به حقوق سندیکایی عمل نماید. سازمان های ملی و بین المللی سندیکایی نیز باید با فراهم آوردن اطلاعات در مورد اوضاع مشخص به اقدامات سازمان جهانی کار یاری رسانند.

سازمان جهانی کار و ارگان های حاکمه آن نباید رهبری های جعلی و غیر دموکراتیک ساختارهای «کارگری» تحت کنترل دولت ها را به رسمیت بشناسد. به رسمیت شناختن چنین ساختارهایی از ایران، سودان، عراق، قطر، بحرین، امارات متحده عربی و عربستان سعودی به مسخره گرفتن میثاق های با ارزش و ذی قیمت سازمان جهانی کار است. از سوی دیگر سازمان های حقوق بشر و سندیکایی چه در سطح کشورها و چه منطقه ای و چه بین المللی می باید در افشاء و عربان کردن نقض حقوق بشر در کشورهای منطقه پرتوان تر عمل کنند. باید مکانیزم هایی را ایجاد کرد که مداخله چنین سازمان هایی را در جهت تضمین احترام به حقوق سندیکایی، آنگونه که در مدارک سازمان ملل و سازمان جهانی کار مطرح است، ممکن نماید.

از آنجا که سندیکاهای کارگری باید مستقل عمل کنند، آنها باید بتوانند در محکوم کردن نقض حقوق سندیکایی در کشورهای دیگر و به ویژه منطقه خلیج فارس و خاورمیانه پیشقدم باشند. وضعیت در کشورهای خاورمیانه و جهان عرب از نظر احترام به حقوق سندیکایی، جنایتی علیه دموکراسی و همبستگی کارگری است. این مشخص است که حرص و آرزو قراردادهای پر منفعت اسلحه و تجاری محافل حاکم انگلیس، فرانسه، ایالات متحده، آلمان و ایتالیا این کشورها را از توجه به نقض حقوق بشر و حقوق سندیکایی در خاورمیانه باز می دارد، ولی طبقه کارگر سرکوب شده این کشورها هیچ توجیهی را برای عدم همبستگی فعال اتحادیه های کارگری مستقل کشورهای غربی با برادران و خواهران خود نمی پذیرد.

پذیرد. و حاضر به مذاکرات حضوری با کبیلای است. کبیلای با این تقاضا موافقت کرده است.

مبارزه طبقاتی فرا مرزی!

مبارزات کارگران کارخانه های اتومبیل سازی رنو و یا سازنده وسایل یدکی رنو در فرانسه، بلژیک، اسپانیا و پرتغال علیه اقدامات کارفرمایان که قصد بیکار کردن هزاران کارگر را دارند سطح جدیدی از مبارزه جویی را به نمایش گذاشت. کارگران رنو و حامیان آنها با تدارک و سازماندهی اعتصابات و اقدامات اعتراضی همه جانبه و هماهنگ در هر چهار کشور عزم کارگران صنعتی اروپا را به مقاومت متحد در مقابل سرمایه به نمایش گذارند.

کارگران رنو به بسته شدن کارخانه و بلورد در بلژیک که در ماه ژوئیه منجر به بیکاری ۳۱۰۰ نفر و نیز بیکار شدن ۳۰۰۰ کارگر دیگر در کارخانجات اصلی رنو در فرانسه معترض هستند. در بلژیک کارگران کارخانه و بلورد را اشغال کرده و مانع انتقال هزاران اتومبیل جدید هستند. در روز ۱۵ فروردین هزاران کارگر در بروکسل تجمع نموده و به اعتراض پرداختند. کارگران فولاد سازی فورژه دوکلاپک نیز که در حال ورشکستگی و در معرض تعطیلی قرار دارد به اقدامات اعتراضی پیوستند. تظاهر کنندگان تا پارلمان و از آنجا به ساختمان مرکز کمیسیون اروپا راهپیمایی کرده و خواستار اقدامات دولت برای حفظ محل خود و ایجاد اشتغال جدید شدند. سطح بیکاری در ماه های اخیر در فرانسه شدیداً افزایش یافته است. در فوریه میزان بیکاری به ۱۳/۸ درصد یعنی ۳/۲۸ میلیون کارگر رسید. مرکز اتحادیه ای.ت.ژ.ت. فرانسه اخطار کرده است که با پیوستن کارگران کارخانه های تعطیل شده و نیز پیوستن فارغ التحصیلان مدارس امسال به نیروی کار اوضاع بسیار بدتر خواهد شد.

بی عملی کمیسر عالی حقوق بشر!

سازمان عفو بین الملل حوزه آیبالاسو، کمیسر عالی حقوق بشر سازمان ملل را به دلیل قصور او در پیگیری از موضع گیری قاطع و علنی علیه نقض حقوق بشر، مورد انتقاد قرار داد. عفو بین الملل در اجلاس کمیسیون حقوق بشر که برای ۶ هفته در ژنو در جریان بود و روز ۲۹ فروردین پایان یافت، خواستار عملکرد قاطع تر کمیسیون حقوق بشر گردید. عفو بین الملل سازمان ملل را فراخواند که جانشین مناسبی برای آیبالاسو پیدا کند که جدا در مقابل نقض حقوق بشر بایستد. عفو بین الملل در بیانیه ای همچنین کشورهای عضو را فراخواند که کمک مالی خود را برای اقدامات عملی و مستقیم سازمان ملل در عرصه مقابله با نقض حقوق بشر، بهبود بخشند انتظار می رود که کوفی عنان، دبیر کل جدید سازمان ملل، در ماه آینده جانشینی برای آیبالاسو، که از مقام خود کناره گرفت، بگمارد. عفو بین الملل می خواهد که «کمیسیس جدید در صورت لزوم حاضر باشد در مقابل دولت ها بایستد».

رویدادهای جهان



دیکتاتوری موبوتو در آستانه فروپاشی

حلقه محاصره به دور موبوتوسه سه سکو، رئیس جمهور فاسد، دیکتاتور مستاصل زیر تنگ تر می شود. در هفته های اخیر مخالفان حکومت موبوتو- از دو جهت او را زیر فشار گذارده اند. از سوی ارتش شورشیان مسلح «اتحاد نیروهای دموکراتیک برای آزادی کنگو- زیبر» به رهبری لورنت کبیلای به سرعت کنترل خود را بر مناطق وسیعی از کشور اعمال کرده و هم اکنون بیش از دو سوم زیبر را تسخیر کرده اند، و از طرف دیگر طرفداران نخست وزیر خلع شده اتین تشی سکدی با دامن زدن به موج اعتصابات و ناقرمائی کنترل اوضاع پایتخت کینشازا و شهرهای اصلی را از دست موبوتو خارج ساخته اند. در کینشازا موج اعتصاب در روز ۲۵ فروردین موجب تعطیل مغازه ها، مدارس- شرکت های تجاری و سیستم حمل و نقل عمومی شد. نخست وزیر که چند هفته پیش از سوی موبوتو دعوت به تشکیل دولت شده بود به «جرم» دعوت طرفداران کبیلای به شرکت در دولت از سوی دیکتاتور برکنار شد. شایع است که موبوتو در تدارک مقدمات خروج وابستگان و دست اندکاران رژیم خود است که در ۳۰ سال گذشته با کمک فرانسه و بلژیک زیبر را که از نظر منابع معدنی از غنی ترین کشورهای افریقا است به جهنمی برای مردم و زحمتکشان تبدیل کرده و در منطقه به عنوان ابزار مستقیم امپریالیسم اقدام می کردند.

نیروهای نظامی وابسته به «اتحاد نیروهای دموکراتیک برای آزادی کنگو- زیبر» در روزهای اخیر شهر کاتانگا، در ایالت کاسایی غربی را تسخیر کرده اند. نیروهای اپوزیسیون در حال حاضر عملاً کنترل اکثر مناطق معدنی و از نظر اقتصادی با اهمیت را در دست دارند. ارتش زیبر در اساس از هم پاشیده است. اکثر آگاهان معتقدند که سقوط موبوتو قطعی است. در هفته سوم فروردین نیروهای وابسته به اپوزیسیون برای سه روز حملات نظامی خود را متوقف کردند که به رئیس جمهور امکان ترک قدرت و خروج از کشور را بدهند ولی موبوتو اعلام کرده است که هیچ اولتیماتومی را نمی

سازمان جهانی کار از آزادی تشکل حمایت می کند

سازمان جهانی کار در خاتمه اجلاس سالانه کمیته ویژه «آزادی تشکل» خود در روز ۷ فروردین ماه خشونت و بدرفتاری علیه فعالان اتحادیه های کارگری و از جمله قتل، ناپدید شدن، ارباب و ایجاد گرفتاری برای آنان را در ۲۰ کشور مختلف جهان محکوم کرد و خواستار تجدید نظر در قوانین کار و شیوه اعمال آن در این کشورها شد. یک روز پیش از این، رهبری سازمان جهانی کار، به طور یکپارچه، توصیه هایی را که در گزارش کمیته «آزادی تشکل» مندرج بود تصویب کرده بودند. گزارش مزبور در بردارنده مصوبات قطعی در مورد ۱۴ شکوائیه در رابطه با تجاوز به حقوق سندیکایی و همچنین مصوبات موقت در مورد ۱۰ شکوائیه دیگر بود. کمیته «آزادی تشکل» ۷۳ مورد تعرض به حقوق سندیکایی از ۴۱ کشور را مورد بررسی قرار داد.

کمیته «آزادی تشکل»، که به کمیته اعمال کننده میثاق ۹۸ نیز معروف است، در سال ۱۹۵۱ تاسیس شده است و بر اجرای اصول پایه ای آزادی تشکل که تضمین کننده حقوق کارگران به تشکل و نیز قراردادهای دسته جمعی است نظارت می کند. این کمیته سه بار در سال تشکیل جلسه می دهد و در ترکیب آن ۳ نماینده از دولت ها، ۳ نماینده از کارفرمایان و سه نماینده از کارگران حضور دارند.

گزارش کمیته ویژه آزادی تشکل بطور مشخص عملکرد ۲۰ کشور را که از امضاء کنندگان میثاق ۹۸ می باشند و به ویژه کشورهای نیجریه، کلمبیا، سودان و کره جنوبی را به دلیل نقض خشن اصول پایه ای این میثاق، مورد انتقاد قرار داد. شکایات علیه عملکردهای جمهوری اسلامی ایران، از آنجا که رژیم از امضاء این میثاق خودداری کرده است، در این کمیسیون مطرح نمی شود. لیکن بخش مربوط به سودان، از آنجایی که عملکرد سیاستمداران مرتجع این کشور در بسیاری از عرصه ها تقلیدی است از آنچه که توسط همکاران مرتجع و ضد کارگزاران در جمهوری اسلامی انجام می گیرد، آموزنده و افشاء کننده است.

کمیته «آزادی تشکل» سازمان بین المللی کار در رابطه با «اتهامات بسیار جدی دستگیری و حبس اعضای اتحادیه های کارگری»، دولت سودان را فراخواند که «اقدامات ضروری را برای جلوگیری از محکومیت ها و دستگیری های غیر قانونی اعضای اتحادیه ها و مسؤولان سندیکایی انجام دهد». شکایات رسیده به کمیته «آزادی تشکل» از طرف فدراسیون اتحادیه های کارگری کارگران سودان حاکی از نقض پی در پی حقوق منجمله اخراج بدون حق فرجام خواهی بیش از ۹۵/۰۰۰ تن از کارمندان دولت و شرکت های تحت کنترل دولت، شکنجه و بدرفتاری با اعضای اتحادیه های کارگری در بخش های وسیع صنایع بودند.

کمیته از دولت سودان خواستار شد که تحقیقاتی را در مورد مرگ تعدادی از رهبران اتحادیه های کارگری که در فاصله سال های ۹۵-۱۹۹۰ تحت شکنجه بودند، انجام دهد. کمیته مقامات سودان را فرا می خواند که تحقیقات مشخص به منظور تعیین شرایط مرگ آنها انجام داده و «قدم های مشخص برای انجام اقدامات قانونی علیه قاتلان و برای جبران خسارات و لطمات و قضاوت تبعیض آمیز بردارد». گزارش کمیته با اشاره به بسیاری از موارد عدم تطابق قانون اتحادیه های کارگری سودان و اصول آزادی تشکل مندرج در میثاق ۹۸ از دولت سودان می خواهد، که قانون مزبور را با توجه ویژه به ملاحظات قانونی در مورد کاربرد میثاق ۹۸ که این کشور تصویب کرده است، مورد تجدید نظر قرار دهد.

خاورمیانه - نیاز برای عملکرد مستقل اتحادیه های کارگری

نیاز به تغییرات دموکراتیک ریشه ای یکی از مشخصه های ویژه و مشترک اکثریت قریب به اتفاق کشورهای خاورمیانه و منطقه خلیج فارس است. علی رغم تحولات وسیع و ریشه ای در ۵۰ سال گذشته در اکثر مناطق جهان، کشورهای این منطقه حساس، ثروتمند و از نظر منابع طبیعی و به ویژه نفت و گاز غنی، به دلیل عدم وجود ساختارهای پایه ای یک جامعه دموکراتیک نتوانسته اند پیشرفت اجتماعی - اقتصادی چشمگیری داشته باشند.

در دهه های اخیر بی بند و باری های حکومتی، فساد و قدرت های غیر مسؤول جایگاهی را که بحث دموکراتیک و منافع مردم می بایست اشغال می نمود، تسخیر کرده اند. از هر زاویه ای که بخواهیم نگاه کنیم، چه از نظر پیشرفت اقتصادی، چه از نظر منافع طبقه کارگر و چه به لحاظ حمایت از صلح جهانی بی پایه نخواهد بود اگر بگویم علاج بسیاری از مشکلات کشورهای منطقه خاورمیانه دموکراسی است. از نظر منافع طبقه کارگر وجود عملکرد مستقل و آزادانه اتحادیه های کارگری یکی از مشخصه های عیار واقعی این دموکراسی است. بررسی شرایط فعالیت اتحادیه های کارگری در منطقه خاورمیانه، ابعاد عظیم وظیفه ای را که در پیشروی احزاب طبقه کارگر این منطقه قرار دارد نشان می دهد. البته چنین بررسی ای خود به دلیل عدم وجود دموکراسی با مشکلات عدیده ای از جمله عدم امکان دسترسی به اطلاعات ضروری، وضعیت متفاوت در کشورهای مختلف از نظر سطح توسعه اقتصادی و اجتماعی و نیز نوع رژیم ها و نیروهای سیاسی عمل کننده در هر کشور، روبرو است. بهر جهت می توان چنین بررسی ای را میزان نقض حقوق کارگری و سندیکایی که از نظر بین المللی به رسمیت شناخته شده است و به ویژه در رابطه با حق سازماندهی مستقل، حق انعقاد قراردادهای دسته جمعی و حق اعتصاب قرار داد.

چندی قبل کنفدراسیون بین المللی اتحادیه های کارگری مستقل در گزارش مربوط به خاورمیانه خاطر نشان ساخت: «بخش عمده ای از خاورمیانه برای اتحادیه های کارگری مناطق ممنوعه است. در برخی از کشورها دولت های جبار اتحادیه های کارگری را برای اشکال سنتی جامعه مناسب نمی دانند و در برخی دیگر از کشورها که اتحادیه ها وجود دارند، زیر کنترل دولت هستند. هیچ نشانه ای دال بر تغییر در منطقه وجود ندارد». علی رغم این حقیقت که جنبش کارگری نقش عمده ای در جنبش خلق های خاورمیانه در مبارزه برای استقلال و دموکراسی ایفاء کرده است، نتوانسته از ثمرات مبارزه خود بهره مند شود. دلیل این وضعیت می تواند سه عامل عمده زیرین باشد:

- نیروهای سیاسی ای که در اکثر این کشورها جانشین استعمارگران شدند معمولاً نمایندگان عقب مانده ترین بخش های جامعه، روسای قبایل - فئودال ها و رهبان عقاید خرافی بودند.

- استعمارگران عملاً به حاکم شدن این نیروها یاری و همراهی کردند. این امر ادامه استثمار کشور را ممکن می نمود. نیروهای مزبور در سرکوب هرگونه جنبش دموکراتیک، گاه، از استعمارگران سابق بی رحم تر عمل می کردند.

- نیروهای سیاسی ترقی خواه و از جمله چپ این کشورها با گرفتار شدن در رشته های جنگ سرد، از درس گیری از تجربیات گرانبهای جنبش سندیکایی کشورهای غربی روی برتافتند. و این درحالی بود که اکثر اتحادیه های کارگری در کشورهای منطقه قبل و یا پس از استقلال با کمک همتاهای خود در کشورهای متروپل بوجود آمده بودند. در توضیح ضعف عنصر دموکراسی در اینجا لازم به یادآوری است که نخستین رهبران کارگری که در کشورهای عربی اعدام شدند، جان خود را به دلیل رهبری یک اعتصاب کارگری در مصر تحت حاکمیت جمال عبدالناصر از دست دادند. این عملکرد خشن شیوه معمول تقابل محافل حاکمه کشورهای منطقه با جنبش کارگری بومی بوده است. امروزه در اکثر کشورهای منطقه اتحادیه های کارگری یا اصلاً وجود ندارند و یا دنباله روی سیاست های رژیم های حاکم هستند و یا اینکه باید پیامد پیگیری یک سیاست مستقل را، که همانا سرکوب خشن باشد، تحمل کنند.

در هیچ یک از کشورهای منطقه حق سازماندهی عملاً وجود ندارد. از تمامی سازمان ها، صرف نظر از ماهیت شان انتظار می رود که در این و یا آن وزارتخانه به ثبت برسند. اتحادیه های کارگری معمولاً در وزارت کار و روابط اجتماعی ثبت می شوند. به ثبت رسیدن اتحادیه منوط به قبول یک سری شرایط و قوانین است که به دولت حق مداخله در اتحادیه ها را می دهد. در کشورهایی نظیر سودان و ایران، تشکل های شبه کارگری که تحت کنترل محافل

ادامه در ص ۷

آدرس ها: لطفاً در مکاتبات خود با آدرس های زیر، از ذکر هرگونه نام اضافی خودداری کنید.

1-Postfach 100644, 10566 Berlin, Germany
2- B.M. Box 1686, London WC1N 3XX, UK
NAMEH MARDOM-NO:504
Central Organ of the Tudeh Party of Iran
<http://www.demon.co.uk/mardom/tudeh.htm>

22 April 1997

شماره فاکس و

تلفن پیام گیر ما

۳۲۴ ۱۶۲۷ - ۳۰ - ۴۹ -

حساب بانکی ما:

نام
IRAN e. V.
شماره حساب
790020580
کد بانک
10050000
بانک
Berliner Sparkasse